



۲۰۱۶/۰۴/۲۴

ملالی موسی نظام

## هفت ثور، هشت ثور و نه ثور را تاریخ ملت افغان بیاد دارد حقایق تلخ از روزگاران خون، آتش و جنایات بشری در افغانستان

مقدمه:

با گذشت تقریباً چهار دهه « ۳۸ سال » از آغاز جنایات بشری بر مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان، دیده میشود که بازخواست و برقراری عدالت که میتواند تا حد زیادی از ادامهٔ تعمیم خشونت و مظالم وسیع و رو به ازدیاد جلوگیری نماید، هیچگونه صورت پذیر نگردیده است. مشکل بزرگ درین زمینه البته که ادامهٔ موجودیت و قدرتمندی گروه و گروپ هایی بوده که باعث و مجری غیر عادلانه ترین و فجیع ترین جنایات و خیانت کاری های آشکارا و علنی بر یک ملت بی دفاع و یک اکثریت مظلوم گردیده اند.

با کودتای منحوس هفت ثور در سال ۱۹۷۸ و قدرتمندی ترکی، امین، کارمل و نجیب فجاج و مظالم نهایت دد منشانه و غیر بشری بر ملت افغانستان وارد گردید، طوریکه تا امروز اثرات خونین و از هم پاشیدگی بنیادی افغانستان عزیز با مصایب آوارگی، معیوبیت، کشتار ملیون ها، فقر و بینوایی و امثال آن دست از سر مردم بیچاره ما بر نمی دارد. دردا که ادامهٔ حکمروایی های بعدی یا توسط مسخ شدگان ظاهری همان رژیم با ائتلافات شوم با گروه وابسته به شوروی و پاکستان شورای نظار و جمعیت، یا ذریعهٔ حزب وحدت تربیه شدهٔ ایران، یا با قدرت طلبی حکمتیار و آی. اس. آی. و وابستگی های بقیه احزاب به غیر که بعد از شکست شرم آور اتحاد شوروی، بر کابل حمله ور گردیده و با انهدام و کشتار بی دریغ، پایتخت افغانستان را ترکه و تقسیم نمودند.

البته که حکم روایان بعدی یعنی طالبان عهد عتیق، با عقب گرایی و تاریک نگری دست از آدم کشی و تخریب مدنیت و کلتور دست بر نداشتند و عملاً بر جنایات و تخریب سهیم گردیدند.

حال درین ۱۴ سال اخیر هم ظواهر امر چیز دیگری را نشان میدهد، ولی کشتار و پراگندگی اجتماعی در پهلوی بی کفایتی و بی مسئولیتی حکومت آنچه را عدالت اجتماعی و بازخواست خون هایی که ریخته شده، خانمان هایی که بریاد رفته و جنایاتی که عملاً صورت گرفته است، با مرور ماه به سال و سال به دهه، با اتکاء به روش مصلحت گرایی و ندانم کاری، هیچ اقدامی را برای تأمین عدالت و سپردن جنایتکاران شناخته شده و اثبات اعمال آنان به محاکم، به مشاهده نمی رسد.

از سال ۲۰۰۳ که «محکمهٔ بین المللی جنایات بر علیه بشریت - آی. سی. سی.» تشکیل شده است، طرقی موجود است که اگر دولت ها خود قادر به معرفی جانپان و اجرای عدالت در قبال جنایتکاران شناخته شده در اجتماع خویش

نمی باشند، این محکمه با تحقیقات بی چون و چرا و غیر قابل تردید با موجودیت حقوقدانان خبره و وسایل دردست داشته، بعد از اثبات جرایمی بر علیه بشریت، خود اقدام به باز خواست و محکمه آنانی که چنان اعمالی را در سرزمین های خود مرتکب گردیده اند اقدام نماید.

گرچه افغانستان از همان سال ۲۰۰۳ به عضویت و برسمیت شناختن این مؤسسه عدالت بشری نایل گردیده است، ولی به پیروی از همان سیاست مصلحت گرایی، با وجود مراجعه پیهم این محکمه به اولیای امور دولت، از اغماض به تقاضای آن تشکیل حقوقی خبره کار گرفته می شود. بی بی سی بتاريخ ۲۱ اپریل باز هم راپوری را از منبع «کمیتة نظارت بر حقوق بشر» وابسته به ملل متحد، در زمینه منتشر نمود که با تبصره ای از آریانا افغانستان آنلاین، میشود با مراجعه به لینک آتی مطالعه فرمایید):

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/BBC\\_D/bbc\\_d\\_kometai\\_nezhrat\\_bar\\_hoqoq\\_bashar.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/BBC_D/bbc_d_kometai_nezhrat_bar_hoqoq_bashar.pdf)

این قلم مضمونی را تحت عنوان «هفت ثور، هشت ثور و نه ثور» در ۲۷ اپریل سال ۲۰۰۷ و تکراراً در سال ۲۰۰۹ و با تغییراتی در سال ۲۰۱۰ در بعضی از مطبوعات افغانی به نشر رسانیده است که چون پیش آمد و طرز برخورد با حوادث آن روزگاران خون و آتش، علی الرغم موجودیت ملیون ها شاهد عینی و هزاران ورق تاریخ مستدل ومبرهني که با السنه مختلفه هر روز بدسترس جهانیان قرار میگردد، هنوز هم از جانب وابستگان و عمال آن حکومت وابسته و متکی به غیر، طوری بر ملت تحمیل میگردد که گویا هرگز در بیشتر از سه دهه اخیر آب از آب تکان نخورده است.

از سال ۲۰۰۱ که با حمله القاعده بر مرکز تجارت جهانی در نیویارک، اوضاع جهان شکل و خاصیت دیگری را بخود گرفته است، با موجودیت فعالیت القاعده در جوار طالبان در مملکت ما و حملات قوای بین المللی به خاک ما، موجودیت افغانستان به حیث مملکت مطرح در جهان، توجه مطبوعات جهان را هم به خود معطوف داشته است. در پهلوی این چنین يك شهرتی، اسناد، مدارك، راپور ها، خاطرات و اسناد آرشیف های سی. آی. ای. و کی. جی. بی. و وابستگان فعال آن مؤسسات و بی شمار کتب و مضامینی که تاریخ افغانستان را از همان آغاز کودتای همیشه منحوس ثور تا امروز احتواء مینماید، در میدیای جهانی و به السنه گوناگون بصورت وسیع منتشر و پخش گردیده و میگردد. درین میانه سهم وتجربه تلخ ملت افغان به حیث شاهدان عینی، چه در داخل افغانستان و چه در کمپ های وحشتناک همسایگان قسی القلب، از همه بیشتر است. مصائبی را که مردم رنجور و محروم کشور ما از آغاز کودتای وطن فروشان ثور تا ایندم متحمل گردیده اند، خود تاریخ زنده ای است که ماشین های پروپاگندی و مغز شوئی های غیر انسانی ای غیر ملی آنرا از بین برده و محو ساخته نمیتواند. تحریف تاریخ در مجموع کوششی است عوام فریبانه و کاملاً مذبحخانه و ناکام که شرمساری عظیمی را برای عاملین خطا کاران در قبال دارد.

بنا برآن، امروز ملت رنجور افغان قهراً به دلیل موجودیت گروه های شامل در جنگ ها و جنایات کشور، از هشت ثور دیگری باید استقبال«!؟» نماید و باخاطرات غم انگیز تخریب و انهدام کابل، پایتخت افغانستان و کشتار ۶۵ هزار سکنه بیگناه آن، منجمله قربانیان مظلوم فاجعه قتل عام افشار، خاطرات استخوان سوز هزاران فامیل عزا دار عزیز از دست داده، یکبار دیگر زنده بگردد.

مردم بی وسیله ما همانطور که جنایات بشری و تاریخی خلق و پرچم و حامی اشغالگر آنان، اتحاد شوروی سابق را با کشتار بی رحمانه ملت افغان و شهادت يك و نیم میلیون بیگناه آن از یاد نمیبرند، نمیتوانند حوادث شوم و غیر قابل باور قتل عام های تنظیم های مهاجم را که از ۸ ثور ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۶ عصر خون و آتش جمهوریت «برهان الدین ربانی» دوام نمود، هرگز فراموش نمایند. درین خاطرات جانکاه، ویرانی شهر و سرپناه ها، از دست دادن عزیزان، تجاوزات بر مال و ناموس مردم بی دفاع پایتخت، با تجلیل چنین عصر سیاه و شرم آور به وضاحت زنده گردیده و بر آلام و درد میلیون ها مصیبت رسیده پایتخت در سر تاسر جهان می افزاید.

در حالیکه چند هفته قبل شاهد سفر رئیس جمهور فقید پولند با اعضای عالی رتبه معیتی وی برای یاد بود و بزرگداشت خاطره هزاران کشته شده پولندی و تقبیح مظالم و فاجعه قتل آنان در زمان دکتاتوری استالین سفاک، به روسیه بودیم، دیشب خبری که از تلوزیون آریانای افغانستان مبنی بر استقبال از ۸ ثور بنام روز پیروزی «مجاهدین» به نشر رسیده است موجبات تائر و تأسف عمیق مردمی را که عزیزان را چه در حوادث جنگ های کوچه به کوچه، از هوا بزمین و از زمین به هوا از هرقوم شریف افغان، از دست داده اند، فراهم نموده است. درین خبر گفته شده که تلوزیون آریانای افغانستان از روز ۸ ثور با تنظیم و بر پا کردن جشن بزرگی پروگرام «آتش بازی» را که سابق در روز استرداد استقلال افغانستان عزیز برگزار میگردد، اجرا خواهد نمود. واقعا با افسوس باید گفت که از ماست که برماست. آیا بخاطر می آوریم که در کدام سرزمین دیگری به یاد بود روزگاران خونینی که در يك شهر کوچک فقط در یکسال اول بیشترین کشتار های بشری از جمله بیشتر از ۶۵۰۰۰ در مجموع صورت گرفته باشد، محافل خوشی و پای کوبی ترتیب گردد؟! باور بفرمائید که امروز در صدر تمام مشکلاتی که ملت افغان سردچار است، تحریف تاریخ بدترین آن میباشد. یعنی خاک اندازی به چشم مردمی که خود شاهدان عینی همه حوادث بوده اند.

اگر چند تنظیم انگشت شمار جهادی که هرگز تفنگی را برای کشتن عدو در دست نگرفتند، ادعای شکست اتحاد شوروی سابق و عمال دست نشانده خلق و پرچم را دارند، پس چطور اینان چه در خانه ملت و چه در تشکیل حزب کمونیست - اخوانی «جبهه نام نهاد ملی» با آنان عهد و پیمان بسته اند که زمانی دقیقاً دشمن ملت و مملکت بوده و سرزمین ما را تقدیم اتحاد شوروی سابق و ماشین جنگی مخوف آن کردند؟ برای توضیح مختصر چنین معضله ای باید به سراغ اوراق تاریخ برویم و ببینیم که واقعا بر افغانستان و مردم کاملاً بی دفاع آن از همان آغاز کودتای منحوس ثور ۱۹۷۸ تا شکست طالبان سیاه کار چه جریانات خونین و جنایات بشری ای رونما گردیده است. آیا واقعا روز خونین هفت ثور را صرف با یاد آوری ساده بی در مطبوعات اندکی تقبیح نمود؟ آیا ناقضین حقوق بشر و مجرمین جنگی در افغانستان تا ابد باید آزادانه و بدون بازخواست به قدرت تکیه بزنند؟ آیا جایگاه چنین افرادی را ممالک جهان هم در خانه های ملت و صدر امور مملکت تعیین نموده اند؟ آیا مردم افغانستان باز هم در سراشیب بدبختی هایی که گروه شناخته شده موجوده خلق و پرچم از یکسو و تنظیم های حریص بیرحمانه بر آنان وارد نموده اند، تا ابد بسوزند و آه نکشند؟

اگر مقدر چنین است، پس چرا خانم ثریا صبحرننگ یکی از مامورین کمیون مستقل حقوق بشر که به مناسبت روز هفت و هشت ثور بیانیه ای را ایراد نمود و از تلوزیون آریانای کابل پخش گردید، محاکمه و بازخواست ناقضین حقوق بشر را «جدا» برای بهبود اوضاع نا بسامان مملکت درخواست و تأیید نموده است. این صدا ها و بیانیه ها

برای کی و چه مقامی است که هر سال در چنین روز هایی بی نتیجه و واهی چون نوشته ای بر یخ تکرار میگردد؟! کسی نیست پرسد که چرا فعالیت این کمیون هر روز بیرنگ تر و بی ارزش تر میگردد؟! باری برای آگاهی آنانی که به جزئیات حوادث و واقعات مملکت درین بیشتر از سه دهه دقیقاً آگاهی ندارند، به اتکاء و استناد بر تحقیقات مبرهن تاریخی، از جمله آثار بیشماری که همه روزه در اختیار جهانیان و منجمله ملت افغان با دسترسی با اینترنت قرار میگردد، صرف به چهار تایی این اسناد که تاریخ افغانستان جنگ زده را از آغاز کودتای ثور در سال ۱۹۷۸ تا شکست طالبان در سال ۲۰۰۱ به اشکال گوناگون در بر میگردد، اشاره مینماییم تا دیده شود که آیا ملت مظلوم و بی چاره افغان چه اجباری را هنوز که هنوز است قهراً در تحمل عمال خلق و پرچم، زور آوران تنظیم های جهادی و یا پذیرفتن طالبان دارند:

**اول:** یکی از مهمترین و مفصل ترین راپور معتبریکه در زمینه تاریخ معاصر افغانستان تهیه و تنظیم گردیده، همانا «پروژه داد خواهی یا عدالت افغانستان - [www.afghanistanjusticeproject.org](http://www.afghanistanjusticeproject.org)» است که دقیقاً از زمان کودتای منحوس ثور و اشغال سرزمین ویران ما به کمک خائنین خود فروخته خلق و پرچم یعنی از سال ۱۹۷۸ تا ختم حکومت تاریک و سیاه طالبان وابسته به عصر حجر در سال ۲۰۰۱ میلادی را در بر میگردد که بدون شك بهترین راپوری میباشد که حوادث و اتفاقات افغانستان جنگ زده و ویران را به وضاحت آشکار میسازد. این راپور به همت والا و مصرف حکومت هالند از جانب يك کمیته کاملاً غیر انتفاعی غیر دولتی، با موجودیت ترجمان های هر لسان مروجه در افغانستان و عملاً با مصاحبه ۶۰۰۰ از سکنه سرزمین ما از واخان تا سیستان و از میمنه تا خوست و کنر، در پایان سال ۲۰۰۲ آغاز گردیده و سه سال را در برگرفت.

تنظیم این راپور ارزشمند، توسط قانون دانان افغان و خارجی از جانب این کمیته بعمل آمده که اکثر حقوق دانان افغان آن همان طوریکه در متن انگلیسی، دری و پشتوی راپور مطالعه میفرمائید، خود قسماً در جریان واقعات دوره های مختلفه، شاهد و ناظر حوادث بوده اند.

هموطنان ما میتوانند با مراجعه به خود لینک راپور در اینترنت، آنرا به السنه انگلیسی، پشتو و دری با کلیک بروی همان قسمت، چاپ و مطالعه نمایند. خوب است که جوانان ما هم از نسخه انگلیسی آن مستفید گردیده و از واقعات تاریخی مملکت دقیقاً مستحضر گردند.

هرچند که دولت کرزی اعصار جنگ های افغانستان را که جزئی از تاریخ مملکت محسوب میگردد و دقیقاً در همان مقطع هایی از تاریخ وطن واقع گردیده است که البته جنایتکارانی هم از خود جا گذاشته که وحشتناک ترین اعمال غیر بشری را در حق مردم خود مرتکب گردیده اند، از کتب درسی محو نموده و آفتاب را با دو انگشت پنهان نمود.

ولی امروز تاریخ همه نقاط عالم با یک «کلیک» از دید ما دور بوده نمی تواند. چه عمل طفلانه بیهوده ای!

این راپور مفصل در پهلوی جنایات گسترده حزب دیموکراتیک خلق و عمال خلقی و پرچمی آن که تا امروز با کشف گور های دسته جمعی درد هموطنان مظلوم ما را بار بار تازه میسازند، با وضاحت نامهای دست اندر کاران آن رژیم سفاک را با نحوه فعالیت های جنایت کارانه شان بر ملا مینماید.

به همین ترتیب آنچه را تنظیم های قدرت پرست بهانه های قومی و مذهبی بی جهت و برای شکست رقبای خویش، ملت بی دفاع افغان را با جنایات غیر انسانی و کشتار های بی موجب شکنجه و قتل عام نمودند که جریان اعمال هر گروه و دسته مشمول درین دوره خونین هم درین راپور مهم و جامع و مستند، متذکر گردیده و واقعات و جنایات

گونگون و اعمال فجیع هر يك اعم از حزب وحدت بر جانب مقابل، فیر ۵۰۰۰ راکت کشته از جانب «گلبدین - مسعود» بر اهالی بی دفاع کابل و «قتل عام خونین افشار - ذریعه مسعود و سیاف» با لست های همه اشترک کنندگان در جنگ ها هم با تفصیلات فراوان نقش صفحات این راپور میباشد که بعد از ختم آن، از جانب خود کمیته مذکور، توسط «سیما سمر» در سال ۲۰۰۵ به حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان برای تطبیق عدالت انتقالی و بازخواست جنایتکاران جنگی در افغانستان، سپرده شد. راپور عدالت افغانستان با يك کلیك بروی لینک، شما را به وبسایت آشکارای آن رهنمون میگردد.

**دوم:** ترجمه مقدمه و معرفی یی راپور مستند «کمیته نظارت بر حقوق بشر یا Human Rights Watch» تحت عنوان «دستان آغشته بخون - جنایات ارتکاب شده در کابل و میراث دیده درائی در افغانستان» یقین عده زیادی از هموطنان ما از منابع گونگون مطالعه نموده اند. مقدمه این راپور مهم را محترمه لیلی رشتیا عنایت سراج هم به امید بازخواست از جنایتکاران جنگی و تامین عدالت انتقالی در افغانستان، ترجمه نموده است. نامبره به وضاحت تذکار داده که اهمیت این راپور که در سال ۲۰۰۵ رسماً منتشر گردید برای افشای حقایق عریان حادثات خونین افغانستان از اپریل ۱۹۹۲ تا مارچ ۱۹۹۳ که تحقیقات و بررسی این کمیته معتبر دقیقاً آن مدت را احتواء مینماید، دارای اهمیت بسزایی میباشد.

راپور ارزشمندی که در بالا ذکر گردید و قسمتی از تاریخ سه دهه اخیر افغانستان را افشاء میسازد، همانا راپور «کمیته نظارت بر حقوق بشر یا Human Rights watch» از مؤسسات وابسته به ملل متحد است که حوادث دقیق جنگ های داخلی افغانستان را از اپریل سال ۱۹۹۲ تا مارچ سال ۱۹۹۳ با تفصیل و استناد بیان و تشریح مینماید. ترجمه صادقانه این اثر مستند و با ارزش به شکل کتاب توسط دانشمند افغان جناب رحمت آریا به پایه تکمیل رسیده و زیر نام خود راپور «دستان آغشته بخون یا Blood Stained Hands» به لسان ارزشمند پشتو تحت عنوان «پر وینو رنگ لاسونو» به دسترس پشتو زبانان ما قرار دارد که آنرا میتوان از پشاور، کتابخانه دانش ابتیاع نمود و متن انگلیسی آن در اکثر ممالک جهان موجود بوده و جوانان ما میتوانند آنرا از انترنت و دفاتر مختلفه این کمیته جهانی معتبر مثلاً دفتر واشنگتن بدست آورند. تا بدانند که در عرصه کمتر از يك سال، تنظیم های مختلفه جهادی چه جنایاتی را بر مردمان پایتخت افغانستان تحمیل نموده و در پهلو قتل ۶۵ هزار سکنه بی دفاع کابل، مرتکب اعمالی گردیدند که تاریخ بشریت از یاد آوری آن شرم دارد. «جنگ افشار» هم که بتاریخ ۲۲ - ۲۳ دلو ۱۳۷۱ مطابق به ۱۰ - ۱۱ فروری سال ۱۹۹۳ صورت گرفته است، با تمام تفصیلات غیر بشری و فجیع خود، شامل این راپور موسسه معتبر وابسته به ملل متحد میباشد.

**سوم:** به چشم سر میبینیم که هرماه ده ها راپور، کتاب و گزارش های مستند از جانب مؤسسات مختلفه در بیان وقایع بیشتر از سه دهه مادر وطن نشر و به مراکز علمی، تدریسی از قبیل پوهنتون ها، مکاتب، لیسه ها، کتابخانه ها، وزارت خانه ها و غیره به منظور آگاهی عوام از واقعیت های مستند تاریخی در خود افغانستان بصورت آشکارا توزیع میگردد. اینکه اقلیت های سر افکنده و شناخته شده هنوز هم مذبحخانه در صدد پنهان نمودن آفتاب با دو انگشت میباشند، خوب است نظری هم به خبر نشر این کتاب آموزنده برارنده بیندازند:

(توزیع کتاب جرائم جنگی تحت عنوان «آنچه راکه مردم عام باید بدانند» برای اولین بار در افغانستان): چهارشنبه ۳ میزان سال ۱۳۸۷، مطابق ۴۲ سپتمبر ۲۰۰۸، کابل: کلید گروپ THE KILLID GROUP و پروژه جنگی مقیم

واشنگتن امریکا، با مشارکت هم در جریان يك سال همکاری توانستند در مورد حقوق بشر و قوانین بشری بین المللی آگاهی دهند و موارد نقض آنرا تحقیق نمایند.

کلید گروپ و پروژۀ جرائم جنگی افتخار دارند که کتاب جرائم جنگی « آنچه را که مردم عام باید بدانند» را به تیراژ ۵۲۰۰ جلد به زبان های دری و پشتو چاپ کنند و به تاریخ ۸ می ۲۰۰۸ با برگزاری محافل رسمی از طریق دفتر مرکزی کلید گروپ در کابل، بدسترس قرار گرفت بار دوم در پوهنتون و پوهنخی تعلیم و تربیه، سوم در پوهنتون بلخ، چهارم در میدان هوائی بگرام و همچنان در بخش حاکمیت قانون، ترتیب نیروی کاری مشترك ۱۰۱ و امروز طی محفل رسمی در پوهنتون ننگرهار هم به دسترس علاقمندان قرار دهند.

در نتیجه، با افسوس دیده میشود که دولت موجودۀ افغانستان نه تنها از ۸ ثور و عاملین جنگ های داخلی و کشتار پایتخت استقبال مینماید، بلکه غیر مستقیم با اشتراك عمال خلقی و پرچمی فعال و وابسته به جمعیت ربانی و شورای نظار که هنوز حیات دارند و در امور دولتی اعم از پارلمان و دو قوه دیگر کاملاً دست شان بالاست، از روز منحوس ۷ ثور هم پشتیبانی و استقبال مینمایند. در پهلوی صد ها دلیل دیگر، اجتماع و اشتراك این دو گروه در تشکیل جبهه نامتجانس و نامنهاد ملی شاهد این ادعاست.

در خاتمه از آن نهضت پر افتخار ۹ ثور ۱۳۷۹ هجری شمسی که به اشتراك فرزندان دلیر و وطن پرستان واقعی، اکثرأ طلاب جوان و سر سپرده معارف افغانستان، صورت گرفت به نیکوئی یاد مینمائیم که سر های عزیز را در راه آزادی وطن فدا نمودند و افتخار بزرگی را در صفحات درخشان تاریخ کمائی کردند.

درین روز خونین دسته هائی از شاگردان معارف در شهر کابل بر ضد رژیم دست نشانده روسی بمقابل مظاهراتی که از جانب عمال خائن خلق و پرچم برپا شده بود، باعزم راسخ و از خود گذری بی نظیری، بر علیه رژیم فاسد صدای حق بلند نمودند. درین قیام پر افتخار تاریخی، دختران جوان با شهامت افغان، که به فرمودۀ محترم حمید انوری، غیر از «چادر و قلم» سلاح دیگری نداشتند، به مقابل عساکر افغان صف بستند و با ایراد بیانیه ها آنانرا به طرفداری از خود دعوت نمودند. در آن لحظات تاریخی، با مداخله باداران روسی، عساکر افغان بروی جوانان مبارز و هموطن خود آتش کشوند و در پهلوی شهدای جوان درین روز بزرگ، «ناهید و وجیهه» با نوشیدن جام شهادت، اوراق پر افتخار تاریخ افغانستان را گل باران نمودند. روح این دو دخت قهرمان افغان شاد و نام شان جاودان باد!

**هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق      ثبت است بر جریده عالم دوام ما**

پایان